

نهادها جهت اطمینان از مشارکت گسترده‌ی بین‌المللی را در کاهش انتشارات می‌پردازد. (Schmalensee, 1996, p. 19) استراتژی‌هایی که گستردگی را بر عمق ترجیح می‌دهند ابتدا سعی می‌کنند اهداف معتدل‌تر و با هزینه‌ی کمتر را مدنظر قرار دهند، که الزامات خیلی پیچیده‌ای نیز نداشته باشند. هم‌زمان که نهادهای مربوطه توسعه پیدا می‌کنند و مزایای هرچه بیشتر همکاری نمایان می‌شود، اهداف بلندپروازانه‌تر می‌شوند. به‌طور مثال اگر کسی به دنبال راهی صلح‌آمیز برای حل مناقشه اسرائیل و فلسطین باشد، اولین قدم منطقی آن است که دو طرف را، که در این مورد خاص شامل همه‌ی گروه‌های ذی‌نفع خواهد بود، در یک فضای واحد در کنار هم جمع کنند، که در این صورت یک اقدام وسیع ولی با عمق کم حاصل خواهد شد؛ و این قدم اول خواهد بود. هم‌زمان که نهادهای مربوطه پیشرفت می‌کنند اهداف بلندپروازانه‌تر شانس آن را می‌یابند که مطرح شوند، ولی هم‌چنان اهدافی خواهند بود که در صورت اجرا هزینه‌ی اندکی برای اعضا ایجاد می‌کنند. که می‌تواند شامل چگونگی تخصیص آب، که در این منطقه کمیاب است و یا کمک به تردد توریست‌ها باشد. فقط پس از آن که طرف‌های مذاکره در همکاری با هم احساس خشنودی داشته باشند و نهادهای اجرایی دارای اعتبار به‌وجود آیند، اهداف بزرگ‌تری هم‌چون مکان‌های استقرار و اختیارات نهایی دولت‌ها قابل بررسی خواهد بود. به همین نسبت مسئله‌ی تغییرات اقلیمی باید در گام اول تلاش کند تا مشارکت حداکثری کشورها را در برداشته باشد. و این مشارکت باید به‌گونه‌ای باشد که فقط هزینه‌های حداقلی را برای دولت‌ها ایجاد کند. و تلاش کند که در آینده اهداف را ارتقاء بخشد. (Stavins, 1997, p. 25)

در کنفرانس پاریس دقیقاً همین روند صورت گرفت و این کنفرانس موفق شد مشارکت تقریباً همه‌ی کشورهای جهان را به دست آورد. و اگرچه کشورها حداقل تعهدات را پذیرفته‌اند، ولی ساختار این کنفرانس شرایطی را ایجاد می‌کند که در آینده، تعهدات کشورها ارتقاء یابد. این درحالی است که اگر روند برعکس بود و کنفرانس تلاش می‌کرد که حداکثر تعهدات را از دولت‌ها طلب کند، قطعاً بر میزان مشارکت تأثیر منفی می‌گذاشت و همانند گذشته که کنفرانس‌ها برای مبارزه با